

موقعیت فراموش شده*

ترجمه: اسماعیل فقیه

عضو هیئت علمی گروه زبان

چکیده . مقاله حاضر ، که محضوماً "تجزیه و تحلیل گفتار را وجه مهمت خود قرار می دهد ، روشنگر این حقیقت است که موقعیتهای اجتماعی نه تنها ساختار ویژه خود را دارد ، بلکه در برخی موارد کلاً "با ساختار اجتماعی بزرگتر نیز متفاوت است . نظر به اینکه گفتار در موقعیتهای اجتماعی صورت می گیرد ، با آن اهمیت است که ساختارهای نهائی موقعیتهای را که در تنظیم گفتار موثرند ، درک کنیم . گافمن ، نه تنها یافته های زبانشناسی ، مردم شناسی و جامعه شناسی را مورد استفاده قرار می دهد ، بلکه سعی می کند این یافته ها را با هدف نظریه پردازی تلفیق و ترکیب نماید .

متغییرهای جدید روانی نیز برای گفتار پیشنهاد می شود .

در کنار سائقه همبستگی مذکور برای مطرح کردن صفات اجتماعی جدید ، به عنوان تعیین کننده های رفتار گفتاری ، سائقه های دیگر ، که به همان اندازه فعال است ، برای افزودن به دامنه خواص قابل کشف در خود رفتار گفتاری وجود داشته است و

به ندرت ممکن به نظر می رسد بتوان از متغییری اجتماعی از قبیل : سن ، جنسیت ، طبقه ، کاست ، موطن اصلی ، نسل ، ناحیه ، تحصیلات ، پیش فرضهای شناختی فرهنگی ، دوزبانی و غیره نام برد ، که تأثیر نظام مند اندک خود را روی رفتار گفتاری ظاهر نماید . هر ساله تعیین کننده های جدید اجتماعی برای رفتار گفتاری گزارش می شود (بهتر است گفته شود که هر سال

(* مشخصات اصل مقاله چنین است :

E. Goffman, "The Neglected Situation",
Language Social Context. Ed. Pier Paolo Giglioli .
Middlesex: Penguin Books, 1972.

نخست، تجزیه و تحلیل دوم، یعنی کشف خواص یا شاخصهای جدید رفتار گفتاری را در نظر بگیرید. آن جنبه سخن آنکه می‌توان از طریق نوشتن بر روی کاغذ بوضوح انتقال داد، مدت زمان مدیدی است که مورد مطالعه قرار گرفته است. امروزه بخشهای مهم گفتار است که به نحوی فزاینده مورد بررسی قرار می‌گیرد. معلوم می‌شود که زبان متحرک (در برخی از سطوح

تجزیه و تحلیل) صرفاً بخشی از یک کردار انسانی پیچیده^{۱۳} است که معنای آن را در حرکت دستها و ابروان نیز باید جستجو کرد. با وجود این، به محض آنکه بخواهیم چنین رفتارهای حرکتی و غیرنوشتنی مربوط به گفتار را مورد توجه قرار دهیم، با دو مشکل مهم مواجه می‌شویم: اولاً، هرچند که زیرلایه^{۱۴} حرکت از بدن فرد سرچشمه می‌گیرد، ولی صورت حرکت را آن مدار محیط زیست کوچکی، که متکلم خسود رادر آن می‌یابد، می‌تواند دقیقاً تعیین کند. در این صورت، برای توصیف ایما و اشاره - چه رسد به کشف معنای آن - ممکن است مجبور به معرفی زمینه انسانی و مادیای گردیم که ایما و اشاره در آن انجام می‌گیرد. مثلاً در امر دانستن میزان فاصله

این افزوده‌ها با ساختار آوایی^{۱۵} واجی^{۱۶} تکواژی و نحوی^{۱۷} زبان، که اکنون معروف شده‌اند، روابطی متغییر دارد. بدین ترتیب است که مشخصه‌های جدید معنایی^{۱۸} بیانی^{۱۹}، فرازبانی^{۲۰} و ایما و اشاره‌ای^{۲۱} رفتار که به گفتار مربوط می‌شود، مشخص شده، تعداد جدیدی شاخص برای انجام محاسبات همبستگی با آنها، در اختیارمان قرار می‌دهد.

اطمینان دارم که این دو جریان تجزیه و تحلیل همبستگی^{۲۲} او شاخصی^{۲۳} می‌توانند همیشه موردی از همزیستی عالمانه به وجود آورند (و احتمالاً به وجود هم خواهند آورد). با وجود این، می‌توان به یک منبع احتمالی اشکال اشاره کرد. به نظر می‌رسد که در برخی موارد، این دو وجه تجزیه و تحلیل، به گونه‌ای ناخوشایند، به یکدیگر نزدیک شده، ما را به بررسی حد تمیز آن دو وارد می‌کنند و این امر، به نوبه خود، ممکن است ما را به احساس این نکته سوق دهد که شاید چیزی مهم، در این میان فراموش شده است.

2. phonetic
3. phonemic
4. morphemic
5. syntactical
6. semantic
7. expressive
8. paralinguistic
9. kinesic
10. correlational
11. indicative
12. discourse
13. complex human act
14. substratum

آیا متکلم با فردی همجنس یا غیرهمجنس با مادون یا مافوق با یکدیگر چند مخاطب، حضوری یا تلفنی صحبت می‌کنند؟ آیا متکلم از روی نوشته یا به طور فنی البدهاه صحبت می‌کند؟ آیا موقعیت رسمی است یا غیررسمی؟ روزمره و عادی است یا اضطراری؟ ترجمه داشته باشید آنچه در اینجا مورد بررسی قرار گرفته، صفات ساختار اجتماعی نظیر سن و جنس نیست، بلکه ارزشی است که برای این صفات بدان‌گونه که در موقعیت جاری و فعلی مورد قبول قرار گرفته - قائل شده‌اند.

بنابراین، با مشکل زیر مواجه خواهیم بود: محقق علاقه‌مند به خواص گفتار، ممکن است، صرفاً بدین علت که نمی‌توان بدون توجه به محیط فراجسمانی‌ای که ایما و اشاره در آن صورت می‌گیرد - آن را به طور کامل توصیف کرد، ناگزیر شود به محیط فیزیکی‌ای که متکلم در آن ایما و اشاره می‌کند، توجه نماید و محقق دیگری که به قراین زبانی ساختار اجتماعی علاقه‌مند است، ممکن است مجبور به توجه به موقعیت اجتماعی گردد کسه در آن، فردی با صفات اجتماعی معین، در برابر دیگران حاضر می‌شود. بنا براین، هر دو نوع محقق، باید آنچه را که ما - به طور مبهم - موقعیت اجتماعی^{۱۵} نامیده‌ایم، مورد توجه قرار دهند، و این، همان چیزی است که نادیده گرفته شده است.

متکلم از مخاطب، برای اندازه‌گیری بلندی ادای هر جمله، در وهله نخست بایستد مفهومی نهفته باشد. معمولاً، شخص نه تنها با بدن خود، بلکه به کمک محیط پیرامون اشاره می‌کند، از این رو لازم است این محیط را نیز به گونه‌ای معرفی کنیم. ثانیاً، اشاره‌هایی که فرد به عنوان بخشی از تکلم به کار می‌گیرد، بسیار شبیه حرکاتی است که هنگامی که وی می‌خواهد بوضوح تفهیم کند که قطعاً قصد ندارد در این برهه زمانی به صحبت‌کشانده شود، به کار می‌گیرد. از این رو در برخی از سطوح تجزیه و تحلیل، بررسی رفتار هنگام تکلم و بررسی رفتار کسانی را که در حضور همدیگر هستند، ولی تکلم نمی‌کنند، نمی‌توان به طور تحلیلی از همدیگر جدا کرد. بررسی یکی، به گونه‌ای موزیانه، ما را به بررسی دیگری وامی‌دارد. اشخاصی از قبیل ری بردویسل^{۱۶} و ادوارد هال^{۱۷} پلیسی از تکلم به رفتار اجتماعی کشیده‌اند، و به محض اینکه فردی از این پل عبور کرد، دیگر آن قدر گرفتار خواهد شد که امکان برگشت برایش وجود نخواهد داشت.

اکنون توجه خود را از خواص یا شاخص‌های جدید کشف شده گفتار، به نوع نخست بررسی، یعنی مطالعه همبسته‌های اجتماعی گفتار - که بتازگی کشف شده‌اند - معطوف دارید. در اینجا با مشکلات حتی بزرگتری برخورد خواهیم کرد، زیرا در مورد نوع بویژه سردرگم کننده همبسته اجتماعی گفتار که "همبسته موقعیتی"^{۱۷} نامیده می‌شود، پژوهش‌های بسیار صورت می‌گیرد.

15. Ray Bird Whistell

16. Edward Hall

17. situational

18. social situation

برای علاقه‌مندان به قوم‌نگاری گفتار، واجد اهمیتی شایان است، زیرا در جایی جز در موقعیت اجتماعی، گفتاری صورت نمی‌گیرد.

بنابراین، به بررسی نکته‌ای که بدون مقدمه وارد آن شده‌ایم، یعنی موقعیت‌های اجتماعی، می‌پردازیم. موقعیت اجتماعی را، به شرح زیر، تعریف خواهیم کرد: محیطی از امکانات نظارت متقابل، در هر مکانی که فرد، خود را در برابر حواس ساده همه آنهایی که حاضرند، قابل دسترسی بباید، و به همین نحو، آنها را نیز برای خود قابل دسترسی بداند. طبق این تعریف، هر وقت که دو یا چند نفر خود را در حضور بلاواسطه دیگران ببینند، موقعیتی اجتماعی به وجود می‌آید که تا ترک نفر ماقبل آخر، ادامه خواهد داشت. حاضرین در یک موقعیت اجتماعی را می‌توان به رقم، میزان جدایی یا سکوت و مسافت یا صرف حضور موقت ظاهری آنها، یک جمع نامید. قواعد فرهنگی، چگونگی رفتار افراد را به صورت حضور در یک جمع، معین می‌کند و این قواعد معاشرت و اختلاط، در صورتی که رعایت شوند، رفتار حاضرین در آن موقعیت را از نظر اجتماعی سازمان می‌دهد.^{۲۲}

با اینکه شرکت در هر جمع، همیشه مستلزم محدودیت و نظم و ترتیب است، برخی ترتیبات ویژه اجتماعی برای همه یا برخی از حاضران، وجود دارد، که مستلزم ساختار بندی بیشتر و اضافی رفتار است. علت

در حال حاضر، مفهوم موقعیت اجتماعی به سرسری‌ترین شیوه ممکن بررسی می‌شود. به عنوان مثال، اگر فردی زبان احترام را مورد بررسی قرار دهد، در آن صورت، موقعیت‌های اجتماعی، متشکل از مواردی خواهد بود که در آنها، افرادی به روابط و موقعیت اجتماعی مناسب، در برابر یکدیگر حاضر بوده، یک طبقه‌بندی از موقعیت‌های اجتماعی، مستقیماً و صرفاً، بر مبنای مجذورخی، یعنی فرا-فرو، فرو-فرا، و همترازها تنظیم می‌شود. همین نکته را در مورد سایر صفات ساختار اجتماعی می‌توان بیان کرد. یکی از پی‌آمدهای این نکته آن است که موقعیت‌های اجتماعی دارای خواص و ساختار خاص خود نیست، بلکه صرفاً، اصطلاح، نمایانگر تلافی هندسی عوامل گفتگوکننده و عواملی با صفات ویژه اجتماعی است.

گمان نمی‌کنم این تلقی فرصت‌گرایانه، از موقعیت‌های اجتماعی، همیشه معتبر باشد. موقعیت اجتماعی به مثابه بس‌عمومی‌دهاتی انسان نیست [که احیاناً موجب ناراحتی ما و سرگرمی و تمسخر دیگران قرار گیرد] می‌توان استدلال کرد که لااقل در جامعه ما انگلیسی‌زبانان، موقعیت‌های اجتماعی، واقعیتی قائم بذات را تشکیل می‌دهد و از این رو نیازمند و متضمن تجزیه و تحلیل خاص خود است. درست‌نظیر تجزیه و تحلیلی که از سایر صورتهای بنیادی سازمان اجتماعی به عمل آمده است. می‌توان باز هم استدلال کرد که این حوزه فعالیت،

19. language of respect

20. high - low

21. equals

22. gathering

ترتیب اجتماعی جهت‌گیری جاری مشترک را نشان می‌دهد، و همه آنها متضمن تاثیر متقابل نظام‌یافته‌ای از نوعی کردار است. مایلم پیشنهاد کنم که هر وقت عمل تکلم صورت می‌گیرد، در چهارجوب این نوع ترتیب اجتماعی است. البته آنچه [در این مورد خاص] سازمان یافته است، نحوه عمل [جراحان] و یا ضربه‌های [مشت‌زنه‌ها] نیست، بلکه رعایت نوبت در تکلم است. بنابراین، توجه می‌کنید که ماوای طبیعی گفتار، جایی است که گفتار، همیشه در آن وجود ندارد.

پیشنهاد می‌کنم که لفظ تکلم پیوسته باید به حالتی از گفتار اطلاق شود گسه از طریق تغییر نوبت در گفتار حفظ می‌شود و اینکه این حالت گفتار متضمن گروهی از دیگران نیز می‌شود که همه شرکتشان را در این موقعیت خاص از گفتار بپذیرند. (پدیده‌ای از قبیل با خود یا با مخاطبین تایید نشده حرف زدن، مثل ارتباط تباینی^{۲۵} با مکالمه تلفنی، در وهله نخست، بایستی به عنوان انحراف از معیار به شمار آید وگرنه ساختار و اهمیت آن از بین خواهد رفت.) تکلم، از نظر اجتماعی، سازمان یافته است، نه صرفاً برحسب اینکه چه کسی با چه کس دیگر به چه زبانی صحبت می‌کند، بلکه به عنوان نظامی کوچک از عمل رویارویی متقابل تایید شده و تابع آداب و مراسم معین یک مواجهه اجتماعی. به محض اینکه یک کیفیت تکلم مورد تایید قرار گرفت، برای درخواست شروع صحبت و اتمام آن، و برای مطلع کردن متکلم از تداوم تمرکز برای کسب اطمینان از اینکه یک نوبت تکلم با نوبت قبلی تداخل زیاد نداشته و برای

این است که در هر موقعیت اجتماعی، برای دو یا چند تن، این امکان وجود دارد که همدیگر را مشترکاً به عنوان شرکای ذیصلاح استمرار یک کانون توجه بصری و شناختی منظر، گرچه پویا، مورد تایید قرار دهند. اقدامات مذکور برای تعیین موقعیت را می‌توان مواجهه‌ها یا رویارویی‌ها نامید. [در این وضعیت] نوعی صراحت متقابل رجحانی نسبت به تمام شیوه‌های ارتباط در کار است. همچنین، نوعاً متضمن یک گردهمایی جسمانی است، یعنی یک اختلاط محیط زیستی که در آن، طرفه‌های مواجهه با همدیگر آشنا شده، از آنهایی که در آن موقعیت حاضر بوده، رسماً در مواجهه شرکت ندارند، دوری بجویند. قواعدی روشن برای آغاز و پایان مواجهه، ورود و خروج طرفه‌های خاص، خواستهایی که یک مواجهه بر ذمه استمرار دهندگان آن می‌تواند داشته باشد و آداب‌دانی مربوط به فضا و صدا، که نسبت به طرفه‌های مستثنی از موقعیت باید رعایت شود، وجود دارد. البته این احتمال نیز هست که یک جمع اجتماعی معین، احیاناً فاقد هرگونه مواجهه بوده، صرفاً شامل طرفه‌هایی غیرفعال باشد، که علقه آنها کنش متقابل غیرمتمرکز است. یا ممکن است شامل مواجهه‌ای باشد که دربرگیرنده همه اشخاص حاضر در آن موقعیت باشد و بالاخره...^{*} جمع اجتماعی ممکن است شامل مواجهه قابل حصول، یعنی مواجهه‌ای که بایستی در حضور طرفه‌های غیرفعال یا سایر مواجهه‌ها جریان یابد، بوده باشد.

*... تیمهای جراحی هنگام عمل و مسابقه‌های مشت‌زنی، نمونه‌هایی از مواجهه‌ها را تشکیل می‌دهند. همه این نمونه‌ها، نظم و

24. encounter

25. collusive communication

توجه قابل درک خود یا تغییر خط آهنگ^{۲۸} آخرین بیان خویش، نشان می‌دهد.

بنابراین، در سطحی خاص از تجزیه و تحلیل، بررسی بیانه‌های نوشتنی و بررسی تکلم، مقوله‌هایی جداگانه را تشکیل می‌دهد. در سطحی از تجزیه و تحلیل، بررسی رعایت نوبت تکلم و آنچه در نوبت شخصی گفته می‌شود، بخشی از بررسی تعامل رویاروی را تشکیل می‌دهد. تعامل رویاروی، مقررات خاص خود را دارد، یعنی دارای فرایندها و ساختار ویژه خود است و علی‌رغم اینکه اغلب، از طریق وسیله زبانی بیان می‌شود، به نظر نمی‌رسد ذاتاً ویژگی زبانی داشته باشد.

تداوم انحصاری نوبت فردی فاقد پاسخ گفتگویی مناسب نیست، همکاری نزدیک باید وجود داشته باشد. اگر افرادی در یک موقعیت اجتماعی حضور داشته، ولی به عنوان طرفهای مواجهه، مورد تایید نباشند، در آن صورت، برای نشان دادن احترام - و درعین حال، عدم ابراز سوءظن نسبت به این افراد قابل دسترس - ارتفاع صدا و حفظ فاصله جسمانی، بایستی تحت کنترل باشد.

گفته‌ها^{۲۶} (مثل معانی) البته تحت محدودیتهای زبانی قرار می‌گیرد، ولی در هر لحظه، آنها ملزم به اجرای وظیفه‌ای دیگر نیز هستند، وظیفه‌ای که طرفهای تکلم را مشغول نگه می‌دارد. گفته‌ها بایستی با پوششی از ایما و اشاره‌های کارکردی ارائه شود، یعنی ایما و اشاره‌هایی که وضع تکلم را مورد پشتیبانی قرار داده، از آنها محافظت کرده، باعث تداوم این نظامهای کوچک فعالیت باشد. در مواجهه‌های گفتاری، چون اصوات - تصادفاً - در دسترس هستند، از آنها در این عمل ایما و اشاره‌ای استفاده می‌شود، ولی هر وسیله دیگری نیز که در دسترس باشد، به طور نظام‌مند به کار گرفته می‌شود. از ایمن‌رو، بسیاری از خواص گفتار را بالاجبار بایستی به عنوان علی‌البدل‌های دیگری معادل‌های کارکردی اعمال برون زبانی^{۲۷} به حساب آورد. به عنوان مثال، نظیر موقعی که شرکت‌کننده‌ای به وسیله آنها خروج قریب‌الوقوع خود را از مواجهه گفتگویی از طریق تغییر ژست خود یا تغییر جهت

26. utterances

27. extra - linguistic

28. intonation contour

* (۲ نمونه دیگر از مواجهه‌ها از ترجمه حذف شده است. مترجم.)